

## نقش حقوق شهروندی در توسعه‌ی سیاسی نهادهای شهری (مورد پژوهی؛ شهرداری تهران)

افشین متقی<sup>۱</sup>، مصیب قره‌بیگی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۱/۱۳، تاریخ تایید: ۱۳۹۷/۰۶/۲۷

### چکیده

اهمیت حقوق شهروندی، امروزه تا بدان حد است که وجود آنرا به مثابه‌ی یکی از مهمترین الزامات و عناصر دموکراسی به‌شمار می‌آورند. گذار از حکومت‌های نظامی، خودکامه و تمامیت‌خواه با مشی سرکوب‌گری، یکه‌سالاری و عدم رواداری به سوی شیوه‌هایی از حاکمیت دموکراتیک، ضرورت پرداخت عمیق به حقوق شهروندی را آشکار ساخته است. از این روی، بررسی حقوق شهروندی در حاکمیت شهری می‌تواند زوایای پراهمیتی از کیفیت پراکنش دموکراسی را در فضای شهری آشکار سازد. پژوهش حاضر با بررسی چهار شاخص «مسئولیت‌پذیری»، «شفاف‌سازی»، «شایسته‌سالاری» و «قانون‌گرایی» در مدیریت سیاسی کلانشهر تهران، کوشیده است تا ابعاد حقوق شهروندی در مجموعه‌ی شهرداری تهران را به عنوان مهمترین نهاد مدیریتی و حاکمیتی این شهر مورد کندوکاو قرار دهد. تحقیق حاضر، از لحاظ ماهیت، بنیادی-کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی ژرفانگر (پیمایشی) است. تعداد نمونه‌ی شهروندان با توجه به تعداد جامعه‌ی آماری، بر اساس فرمول کوکران انجام شده و تعداد ۱۱۳ نفر از شهروندان منطقه‌ی ۶ شهرداری تهران بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه با پرسش‌نامه مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش، نشانگر آن است که میزان رضایت شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس شاخص‌های پژوهش، افت محسوسی داشته است و در مجموع، شاخص «قانون‌گرایی» نسبت به سه شاخص دیگر در وضعیت خوشایندتری قرار دارد.

کلیدواژگان: شهروندی، قانون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، شفاف‌سازی، شایسته‌سالاری، شهرداری تهران.

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی.

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.

## مقدمه

در خلال سه دهه‌ی گذشته، حقوق شهروندی به یکی از گفتمان‌های مهم و جدانشدنی جغرافیای سیاسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و حقوق تبدیل شده است. اهمیت حقوق شهروندی، امروزه تا بدان حد است که وجود آنرا به مثابه‌ی یکی از مهمترین الزامات و عناصر دموکراسی به‌شمار می‌آورند. گذار از حکومت‌های نظامی، خودکامه و تمامیت‌خواه با مشی سرکوب‌گری، یکه‌سالاری و عدم رواداری و تکرر به سوی شیوه‌های از حاکمیت دموکراتیک، ضرورت پرداخت عمیق به حقوق شهروندی را آشکار کرده است (McEwan, 2000: 628). در میان دانش‌های آکادمیک که به بررسی حقوق شهروندی می‌پردازند، به‌نظر می‌رسد که مجموعه هم‌بسته‌ای از رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق و ژئوپلیتیک شهری دارای ابزارها و مفاهیم گسترده‌تر و فراگیرتری است که پرداخت و گشایش آن، می‌تواند سهم این رشته‌ها در برقراری و تعمیق دموکراسی را افزایش دهد (Dickinson and Bailey, 2007: 757). همبستگی و هم‌پیوندی شهروندی با عناصری چون «تعلق»، «مکان» و «حکومت ملی»، نشان می‌دهد که بن-مایه‌های آن با مفاهیمی سروکار دارد که از دغدغه‌ها و حوزه‌های پژوهشی رشته‌های مذکور است. در این میان، ژئوپلیتیک شهر، به دلیل تمرکز بر تعامل سیاست، حکومت و شهر می‌تواند به صورتی موردی و دقیق‌تر به واکاوی ابعاد شهروندی بپردازد. چراکه حاکمیت شهری یکی از جلوه‌های حکومت محلی است، به دلیل زیست چندسویه و پیچیده‌ی شهری با فضایی آکنده از انسان (در قیاس با روستا)، با حقوق شهروندی گرهی ناگشودنی خورده است (Bacchi and Beasley, 2000: 323).

کلانشهر تهران به عنوان پر گنجایش‌ترین و سیاسی‌ترین شهر ایران، میزبان جمعیتی عظیم است که خود را در قلمرو شهر تهران تعریف کرده‌اند، بدان تعلق فضایی دارند و از شیوه‌های حاکمیتی و مدیریتی خاصی نیز بهره‌مند هستند. به سبب گنجایش فراوان جمعیتی و مرکزیت سیاسی، اداری و اقتصادی، می‌توان کلانشهر تهران به مثابه‌ی یک نمونه‌ی بارز از حکومت شهری برگزید و در قلمرو آن، به بررسی کیفی و کمی شهروندی پرداخت. از این روی، پژوهش حاضر با بررسی شهروندی و حقوق فضایی آن در حکمرانی شهری می‌تواند زوایای پراهمیتی از مفاهیم جغرافیای سیاسی شهر و نیز نقش این رشته در پراکنش دموکراسی را آشکار سازد. این پژوهش با بررسی چهار شاخص «مسئولیت‌پذیری»، «شفاف‌سازی»، «شایسته‌سالاری» و «قانون‌گرایی» در حکمرانی شهری و توسعه‌ی سیاسی کلانشهر تهران، کوشیده است تا ابعاد حقوق شهروندی در مجموعه‌ی شهرداری تهران به عنوان مهمترین نهاد این شهر را مورد کندوکاو قرار دهد.

## مواد و روش‌ها

## روش پژوهش

تحقیق حاضر، از نوع تحقیقات کاربردی به‌شمار می‌رود و جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز، پیمایش را به عنوان یکی از تکنیک‌های روش کمی به‌کار گرفته است. بدین معنا که در سال آماری ۱۳۹۷، نخست به کمک منابع، کتب و مقالات علمی، شهروندی، عناصر و مفاهیم و راهکارهای تقویت آن از نظرگاه جغرافیای سیاسی را مورد بررسی قرار داده و سپس پرسشنامه‌ای طراحی نموده و نظر شهروندان منطقه‌ی ۶ شهرداری تهران را در زمینه‌ی حقوق شهروندی در حاکمیت شهری تهران مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر؛

- از لحاظ هدف، کاربردی<sup>۱</sup> است.
- از لحاظ چگونگی گردآوری داده‌ها، توصیفی<sup>۱</sup> است.

- از لحاظ میزان و درجه‌ی کنترل متغیرها، میدانی<sup>۲</sup> است.

جامعه، نمونه و روش برآورد حداقل حجم نمونه

تعداد نمونه‌ی شهروندان با توجه به تعداد جامعه‌ی آماری، بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد نمونه انتخاب شد و تعداد ۱۱۳ نفر از شهروندان منطقه‌ی ۶ شهرداری تهران به عنوان نمونه با پرسش‌نامه مورد پرسشگری قرار گرفتند. این تعداد در سال آماری ۱۳۹۷ و با توجه به سهمیه جمعیت در محله‌های گوناگون این منطقه از شهر تهران، به شیوه‌ی روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده است. داده‌های پرسشنامه در مورد سوالات، بسته به آماره‌های متناسب در نرم افزار SPSS، از جمله درصد فراوانی، میانگین و آزمون T، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سوالات باز موجود در پرسشنامه نیز به کمک کدگذاری باز مورد بررسی و تحلیل شده است.

#### ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز تحقیق، به تدوین یک پرسش‌نامه بر اساس شاخص و مدل مفهومی تحقیق اقدام شده است. این پرسش‌نامه، شامل ۵۰ سوال بسته بوده که بر اساس شاخص‌های تحقیق و عناصر موجود در مدل تحقیق طراحی شده است. پرسش‌نامه‌ی تحقیق نظر شهروندان درباره‌ی حقوق شهروندی در کلانشهر تهران را با تأکید بر چهار شاخص «مسئولیت‌پذیری»، «شفاف‌سازی»، «شایسته‌سالاری» و «قانون‌گرایی» جویا شده است. افزون بر این، یک سوال باز در پایان پرسشنامه قرار داده شده تا شهروندان نظرات تکمیلی را در صورت تمایل ذکر نمایند.

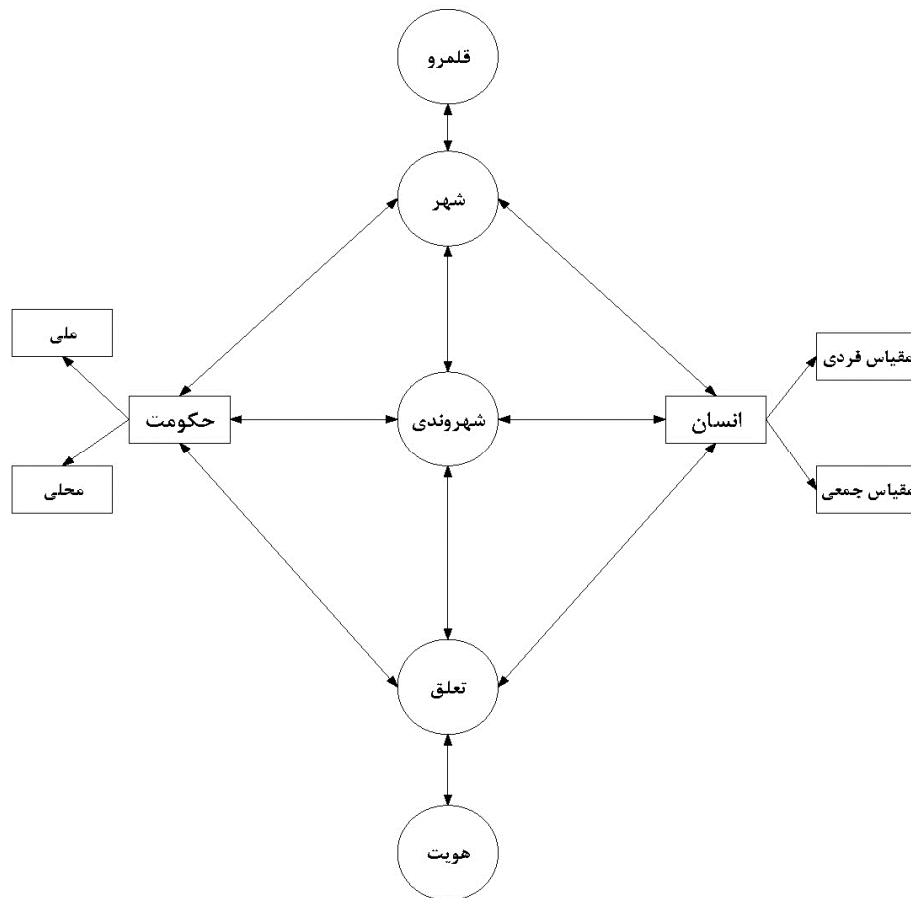
#### بنیادهای مفهومی پژوهش

##### شهروندی

«شهروندی، اشاره به رابطه‌ی میان افراد و جامعه (یا حکومت) است که زندگی افراد را بسته به اینکه چه کسانی هستند و کجا زندگی می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد» (Valentine and Skelton, 2007: 122). از تعریف یاد شده، چند نکته می‌توان بیرون کشید؛ نخست که شهروندی اشاره به رابطه‌ی تعاملی میان انسان و جامعه‌ی سیاسی اوست؛ دوم آنکه وابسته به احساس «تعلق مکانی» است؛ سوم آنکه در چارچوب یک فضای مشخص که می‌توان آنرا «قلمرو» نامید، پدید می‌آید و چهارم آنکه، نشانگر نوعی «هویت» است. قلمرو، بخشی از فضا است که مصالحه‌ای میان جنبه‌های اسطوره‌ای و عقلانی-کارکردی فضا ایجاد می‌کند. «قلمرو، از سه مولفه ساخته شده است؛ یک تکه زمین به مثابه‌ی میراث مقدس، زمینه‌ای از قدرت و یک فضای کاربردی» (Hassner, 1997: 57). همچنانکه پیداست، قلمرو ابعاد گوناگونی از زیست اجتماعی و قدرت جمعی را کنار هم می‌نهد؛ عناصر مادی همچون فضا و عناصر نمادین همانند هویت جمعی (Paasi, 2008: 109). هویت نیز بخشی از مولفه‌ی فردی و جمعی انسان است که تعریف کننده‌ی چیستی و کیستی به‌شمار می‌رود. هویت به ویژه آنگاه که با فضا گره می‌خورد، در کالبد هویت مکانی رخ می‌نماید که «بیانگر ارجاع کیستی و چیستی یک شخص به یک مکان است» (Brown, 1997: 13). تعلق نیز بخشی از فرآورده‌ی هویت به‌شمار می‌رود که در آن ابعاد مکانی و روان‌شناختی انسان درهم می‌آمیزد و احساس تعلق مکانی پدید می‌آید (Burchell, 2014: 541). همچنانکه از سه شاخص هویت، تعلق و قلمرو پیداست، این سه شاخص در یک فضای شهری به یکدیگر پیوند خورده و مفهومی با نام «شهروندی» را پدیدار می‌سازند (Brenner, 2005: )

1- Descriptive  
2- Field

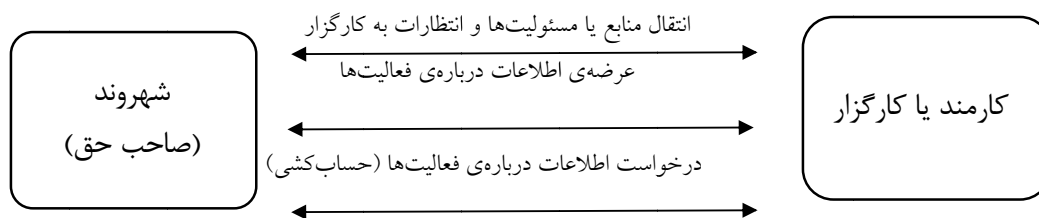
24). مفهوم فضا نیز از دیرباز در علوم انسانی و به خصوص در جغرافیا وجود داشته است. ارسطو، فضا را مجموعه‌ای از مکان‌ها می‌داند و آنرا به ظرفی شبیه می‌کند که خالی است و برای فهم آن، پیرامونش باید بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد. درک فضا به هر شکل در سازمان یافتگی‌های متفاوتی خود را نشان می‌دهد که این سازمان یافتگی‌ها ریشه‌هایی نمادین، اسطوره‌ای، دینی، اجتماعی و سیاسی و... وجود دارند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). به نظر می‌رسد که مفهوم فضا در جغرافیا به محیط پیرامونی انسان ارتباط پیدا می‌کند. درک نقش محیط ساخته شده ما را با چیستی معنای محیط آشنا می‌کند و فضای پیرامون اصلی‌ترین معیار برای تعریف محیط به حساب می‌آید و هر توصیفی از کارکرد محیط باید متوجه چیزی در فضای پیرامون باشد (لنگ، ۱۳۸۱: ۸۷). شهروندی از آن رو مورد مطالعه‌ی جغرافیای سیاسی است که ماهیت آن از مکانی به مکان دیگر متفاوت می‌شود (حافظ‌نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۲۵۶). به سخنی دیگر، از آنجا که سنت‌ها و مناسبات گوناگون فضایی، ماهیت شهروندی را شکل می‌دهند (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۱۳)، بررسی ماهیت و مناسبات میان شهروندی با فضا در زمره‌ی پژوهش‌های جغرافیایی- سیاسی قرار می‌گیرد. بنابراین، شهروندی از نگاه جغرافیای سیاسی عبارتست از «تعامل میان شهر، تعلق و حکومت». از این رهگذر، نمودار شهروندی در جغرافیای سیاسی را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:



شکل ۱- رابطه‌ی حقوق شهروندی و جغرافیای سیاسی (اقتباس از کاویانی راد و قره‌بیگی، ۱۳۹۶)

## مسئولیت‌پذیری

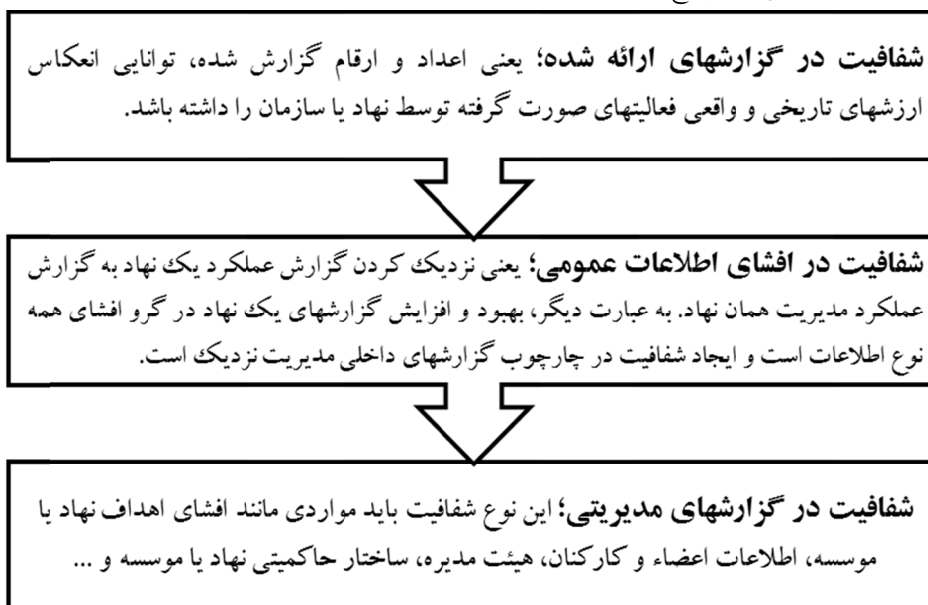
مفهوم مسئولیت‌پذیری در حقوق شهروندی، با مفهومی به نام پاسخ‌گویی گره خورده است. پاسخ‌گویی در حوزه مدیریت با مفهومی نوین، یعنی پاسخ‌گویی به مردم و شهروندان در دهه‌ی ۸۰ و بویژه در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است. خاستگاه اصلی مفهوم پاسخ‌گویی در حوزه‌ی سیاسی و اداری، پرهیز از استبدادی بودن و روی آوردن به مشروعیت بوده است. در قرن بیستم، الگوهای اولیه‌ی حاکمیت سیاسی و مدیریت اداری- شهری بر روی کاهش خودسرانه بودن حکومت تاکید می‌کردند و مفهوم پاسخ‌گویی در پشت پرده نقش داشت (Bressman, 2003: 1). با تمرکز بر روی الگوهای پرهیز از استبداد و قانون‌مندتر شدن حکومت‌ها، بستری را فراهم آورد تا مفهوم پاسخ‌گویی با معنای نوین خود، یعنی پاسخ‌گویی مستقیم سازمانهای اداری به مردم تجلی یابد.



شکل ۲- چارچوب و ساختار مناسبات در مسئولیت‌پذیری (Munro & Mouritsen, 1996)

## شفافیت

شفافیت یا آشکارسازی، بیشتر بر بعد سازمانی مدیریت شهری تاکید می‌کند. یعنی یک سازمان باید بطور شفاف و با وضوح و روشنی کامل به مردم گزارش دهد و اطلاعات را در یک جریان آزاد و فارغ از هرگونه ابهام برای مردم آشکار سازد. بنابراین، شفافیت و گزارش‌دهی یکی از الزامات پاسخگویی است و چنانچه امور و وظایف مبهم و غیر شفاف باشند، افراد نمی‌توانند پاسخگو باشند (Lerner & Tetlock, 2004: 20).



شکل ۳- مقیاس‌های مختلف آشکارسازی (شفافیت) در یک سازمان (اقتباس از علوی، ۱۳۹۰)

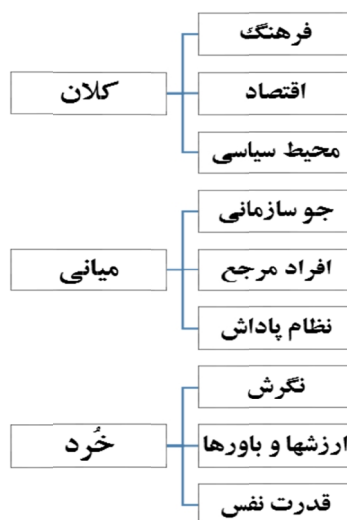
## قانون‌گرایی

«قانون» واژه‌ای عربی و به معنای «اصل» است؛ عده‌ای نیز برآنند که واژه‌ی «قانون» معرب کانون<sup>۱</sup> یونانی است. قانون امری است کلی که بر همه جزئیات منطبق می‌گردد و احکام جزئیات از آن شناخته می‌شوند. این واژه به معنای قاعده، رسم و دستور نیز آمده است (لغت‌نامه‌ی دهخدا). قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند؛ به این معنا که انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، باید چنین کنند و چنان نکنند. به تعبیر دیگر، قانون یعنی تعیین مرزهای مجاز هر کس و وسیله داورى درباره کسانی که این مرزها را زیر پا می‌گذارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۵۱۷). پس، مقصود از قانون‌مداری حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه در جامعه و رعایت حقوق همه افراد می‌باشد. بنابراین، جامعه‌ای قانون‌مدار و قانونگرا محسوب می‌شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شوند و همه آحاد جامعه در برابر قانون مساوی و رهبران آن قانون‌پذیرترین افراد در جامعه باشند. در مدیریت شهری، منظور اجرای قوانینی است که برای همه سودمند و ضروری است. اجرای این قوانین بدون استثناء گذاشتن میان هر یک از شهروندان و ضمن توجه به حقوق پایه‌ی انسانی و ملاحظه‌ی ارزشهای متداول جامعه انجام می‌گیرد. عوامل تاثیرگذار بر رفتار قانونی کارکنان را می‌توان در سه طبقه کلی جای داد (فقیهی و رضائی منش، ۱۳۸۴: ۳۲)؛

الف) مقیاس کلان؛ مربوط به فاکتورهایی که در محیط خارجی سازمان وجود دارند. این فاکتورها معمولاً تحت کنترل سازمان‌ها نیستند و از سوی سیستم‌های فرادست به آنها تحمیل می‌گردند. مانند؛ فرهنگ، اقتصاد، محیط سیاسی، تکنولوژی، مذهب، قانون

ب) مقیاس میانی؛ اشاره به فاکتورهای سطح سازمانی دارد. سازمانها معمولاً قدرت مانور خوبی بر روی این فاکتورها دارند و اکثر آنها از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های سازمانی قابل کنترل هستند. مانند؛ رقابت، نظام پاداش، اصول رفتاری، خصوصیات شغلی، منابع، فرهنگ سازمانی، اهداف سازمان، رفتار مدیر، جو سازمانی، اختیار سمت، ارزیابی عملکرد، افراد مرجع

ج) مقیاس خرد؛ اشاره به فاکتورهای سطح فردی دارد. این فاکتورها در درون کارکنان سازمان جای دارند و سازمان می‌تواند از طریق تغییر دادن فاکتورهای سطح میانی، روی بعضی از فاکتورهای این سطح نیز تاثیر بگذارد. مانند؛ نگرش، قصد، قدرت نفس، تاثیر نهادهای همگن (خانواده)، ارزش‌ها و باورها



شکل ۴- مقیاس‌های مختلف رفتار قانون‌گرا در یک سازمان (اقتباس از فقیهی و رضائی منش، ۱۳۸۴)

### شایسته‌سالاری

با توجه به اهمیت و جایگاه مدیریت در دنیای کنونی، سازمان‌ها می‌کوشند تا شایسته‌ترین افراد را شناسایی، جذب و به کار گیرند. وضعیت سازمانی و منطق حاکم بر آن ایجاب می‌کند که از هر کسی و هر چیزی به درستی و متناسب با موقعیت، بیشینه‌ی کارایی و توانمندی خود را بروز دهد. شایسته‌سالاری<sup>۱</sup>، نخست بار، توسط «مایکل یانگ»، جامعه‌شناس بریتانیایی به کار برده شد. او در تعریف شایسته‌سالاری می‌نویسد: «شایسته‌سالاری سیستمی است که رهبری به واسطه نخبگان را مهیا می‌سازد» (موسوی، ۱۳۹۳: ۳). شایسته‌سالاری بنا به تعریف او سیستمی است که نقش‌های اجتماعی را به افراد براساس توانایی آنها، بدون لحاظ هر مزیت دیگری از قبیل: ثروت، طبقه اجتماعی، نژاد، اصل و نسب و... واگذار می‌کند. امروزه، شایسته‌سالاری و استفاده از نیروهای کارآمد یکی از اصول اساسی و از عوامل موفقیت سازمان‌ها در حرکت به سمت پویایی و تحول است. به عبارت دیگر، شایسته‌سالاری به عنوان رمز پیروزی حرکت‌های توسعه‌ای در درون سازمان‌ها می‌باشد؛ به شکلی که مدیران در هیچ شرایطی نباید خود را بی‌نیاز از توجه به مفاهیم و آموزه‌های آن بدانند (معمارزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵). چنین فرضی درباره‌ی نیروی انسانی به صورت قرار گرفتن شایسته‌ترین فرد در مناسب‌ترین موقعیت شغلی (شایسته‌سالاری) مطرح می‌شود. شایسته‌سالاری به مفهوم به‌کار گماری مناسب‌ترین افراد در مناسب‌ترین جایگاه در سازمان است. در سازمان‌های رشد یافته و یا در حال رشد شایسته‌سالاری از اهمیت خاصی برخوردار است. آنچه امروزه دولت‌ها به سوی آن گام برمی‌دارند، ایجاد ثبات در مدیریت‌ها با تعیین و تعریف مکانیزم حاکم بر شایسته‌سالاری است، شایسته‌سالاری مبتنی بر شایسته‌خواهی و شایسته‌گزینی است. این شایستگی‌ها شامل دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها به همراه ویژگی‌هایی نظیر ارزش‌ها، انگیزش، نوآوری و کنترل خود است. نظام شایسته‌سالار، نظامی است که در آن بهترین افراد در بهترین جایگاه با بالاترین بازده کاری انجام وظیفه می‌نمایند (بیرامی، ۱۳۹۱: ۶۱). بنابراین و بر پایه‌ی چهار شاخص یاد شده، پژوهش حاضر کوشیده است تا کیفیت حقوق شهروندی در منطقه‌ی ۶ شهرداری تهران را بررسی کند.

1- meritocracy

## یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

رابطه‌ی شهروند به مثابه یک خرده نظام شخصیت با خرده نظام شهرداری یک رابطه‌ی مبادله‌ای است. شهروندی، اشاره به رابطه‌ی میان افراد و جامعه (یا حکومت) است که زندگی افراد را بسته به اینکه چه کسانی هستند و کجا زندگی می‌کنند، تحت تاثیر قرار می‌دهد. حقوق شهروندی به سبب پیوستگی و هم‌ریشگی با حکومت و فضا از موضوعات مهم و ارزشمند در مدیریت سیاسی شهر است. امروزه با روند رو به گسترش تکنولوژی‌ها و سلطه‌ی همه-جانبه‌ی حکومت‌ها بر زیست مردمان، مسئله‌ی شهروندی و حقوق مترتب بر آن، یکی از الزامات و چشم‌اندازهای دموکراسی به‌شمار می‌رود. کلانشهر تهران به عنوان پر گنجایش‌ترین و سیاسی‌ترین شهر ایران، میزبان جمعیتی عظیم است که خود را در قلمرو شهر تهران تعریف کرده‌اند، بدان تعلق فضایی دارند و از شیوه‌های حاکمیتی و مدیریتی خاصی نیز بهره‌مند هستند. به سبب گنجایش فراوان جمعیتی و مرکزیت سیاسی، اداری و اقتصادی، می‌توان کلانشهر تهران به مثابه‌ی یک نمونه‌ی بارز از حکومت شهری برگزید و در قلمرو آن، به بررسی کیفی و کمی شهروندی پرداخت. بر این پایه و نیز به سبب اهمیت حقوق شهروندی در مفاهیم امروزی جغرافیای سیاسی، در ادامه به تجزیه و تحلیل حقوق شهروندی در مدیریت شهری تهران (شهرداری تهران) بر پایه‌ی چهار شاخص مسئولیت‌پذیری، آشکارسازی، قانون‌گرایی و شایسته‌سالاری خواهیم پرداخت. فرضیه‌ی به‌کارگیری این چهار شاخص بر این بنیاد استوار است که رضایت شهروندان از رعایت چهار شاخص یاد شده، نشانگر وضعیت مناسب حقوق شهروندی در کلانشهر تهران است.

## مسئولیت‌پذیری

جدول ۱- بررسی دیدگاه شهروندان منطقه‌ی ۶ تهران درباره‌ی حقوق شهروندی بر اساس شاخص مسئولیت‌پذیری

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	تعداد	میزان t	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	جمع‌آوری به موقع و مکانیزه زباله‌ها	۳	۳/۲۸	۱/۰۸	۴۴۵	-۱۴/۰۹	۴۴۴	۰/۰۱
۲	مبارزه با حیوانات مودعی	۳	۲/۸۹	۱/۰۳	۴۴۵	-۲۲/۹۲	۴۴۴	۰/۰۱
۳	نظافت و تمیزی کوچه‌ها و خیابان‌ها	۳	۳/۲۳	۱/۰۳	۴۴۵	-۱۵/۸۳	۴۴۴	۰/۰۱
۴	نظافت سرویس‌های بهداشتی درون شهری	۳	۳/۱	۱/۰۵	۴۴۴	-۱۸/۱۳	۴۴۳	۰/۰۱
۵	نرده‌گذاری کنار خیابان	۳	۳/۴۸	۰/۸۱	۴۴۰	-۱۳/۳۲	۴۳۹	۰/۰۱
۶	ایمن‌سازی پل‌های عابر پیاده از حیث حفاظت برفگیر و نصب نرده	۳	۳/۶۵	۰/۸۳	۴۴۵	-۸/۹۵	۴۴۴	۰/۰۱
۷	آسفالت و لکه‌گیری به موقع کوچه‌ها و خیابان‌ها	۳	۳/۱۵	۰/۹۵	۴۴۴	-۱۸/۸۳	۴۴۳	۰/۰۱
۸	جدول‌گذاری به موقع کوچه‌ها و خیابان‌ها	۳	۳/۳۵	۰/۸۴	۴۴۴	-۱۶/۲۴	۴۴۳	۰/۰۱
۹	مرمت و پیاده‌روسازی با رعایت اصول ایمنی مانند شیب ملایم	۳	۳/۲۳	۰/۹۵	۴۴۰	-۱۷/۱	۴۳۹	۰/۰۱
۱۰	لاپروبی و بازسازی کانال‌ها و جوی‌های آب	۳	۳/۲۱	۰/۷۸	۴۴۵	-۲۱/۳۳	۴۴۴	۰/۰۱



۰/۰۱	۴۴۴	-۲۱/۸۳	۴۴۵	۰/۹	۳/۰۷	۳	ارایه آموزش‌های لازم درباره بهداشت و مراقبت‌های زیست محیطی	۱۱
۰/۰۱	۴۴۴	-۲۰/۰۸	۴۴۵	۰/۸۲	۳/۲۲	۳	ارایه آموزش‌های مربوط به ترافیک درون‌شهری مانند تابلوهای ترافیکی	۱۲
۰/۰۱	۴۴۴	-۱۸/۲۲	۴۴۵	۰/۷۷	۳/۳۴	۳	اطلاع سانی در خصوص وظایف شهرداری شهروندان	۱۳
۰/۰۱	۴۴۱	-۱۴/۴۴	۴۴۲	۰/۸۴	۳/۴۲	۳	ایجاد مراکز فرهنگی - هنری و آموزشی	۱۴
۰/۰۱	۴۴۴	-۵/۸۹	۴۴۵	۰/۸۶	۳/۷۶	۳	فراهم‌سازی وسایل ورزشی مناسب در پارک‌ها	۱۵
۰/۰۱	۴۴۴	-۱۰/۱۸	۴۴۵	۱/۰۱	۳/۵۱	۳	فراهم‌سازی وسایل حمل و نقل درونشهری (تاکسی، اتوبوس، مترو)	۱۶
۰/۰۱	۴۴۱	-۹/۱۸	۴۴۲	۰/۸۶	۳/۶۲	۳	بازسازی و ترمیم پارک‌ها	۱۷
۰/۰۱	۴۴۴	-۱۲/۵۴	۴۴۵	۰/۸۶	۳/۴۹	۳	نگهداری از درختان کنار خیابان‌ها و کوچه‌ها	۱۸
۰/۰۱	۴۴۰	-۱۵/۶۹	۴۴۱	۰/۹	۳/۳۳	۳	صدور به موقع شناسنامه ساختمان	۱۹
۰/۰۱	۴۴۴	-۱۵/۹۶	۴۴۵	۰/۹۵	۳/۲۸	۳	صدور به موقع گواهی عدم خلافی و پایان کار	۲۰
۰/۰۱	۳۹۴	-۱۷/۹۹	۳۹۵	۰/۹	۳/۱۸	۳	دریافت به موقع و متناسب عوارض نوسازی	۲۱
۰/۰۱	۳۸۴	-۲۷/۱۳	۳۸۵	۰/۵۱	۳/۲۹	۳	مسئولیت‌پذیری	کلی

با توجه به جدول فوق و با تأکید بر میزان  $t$  به دست آمده، می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در گویه‌های ۱ و ۳ الی ۲۱ وجود دارد. لذا با توجه به اینکه در گویه‌های مذکور، میانگین تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشد، عنوان می‌شود که از دیدگاه نمونه‌های تحقیق، «میزان تأثیر مسئولیت‌پذیری بر افزایش حقوق شهروندی شهروندان منطقه ۶ تهران» در گویه‌های مذکور، مناسب است. در حالی که در گویه‌ی ۲ میانگین تجربی پایین‌تر از میانگین نظری می‌باشد، و این مطلب بیانگر این است که از دیدگاه نمونه‌های تحقیق، «میزان تأثیر مسئولیت‌پذیری بر افزایش حقوق شهروندی شهروندان منطقه ۶ تهران» در گویه‌ی فوق، نامناسب است.

#### شایسته‌سالاری

جدول ۲- بررسی دیدگاه شهروندان منطقه‌ی ۶ تهران درباره‌ی حقوق شهروندی بر اساس شاخص شایسته‌سالاری

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	تعداد	میزان $t$	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۲۲	به‌کارگیری مدیران و مسئولان متخصص	۳	۳/۳۶	۰/۸۸	۴۴۵	-۱۵/۵	۴۴۴	۰/۰۱
۲۳	اهمیت دادن به یافته‌ها و بنیادهای	۳	۳/۴۴	۰/۸۰	۴۴۰	-۱۴/۶۸	۴۳۹	۰/۰۱

علمی-دانشگاهی							
۲۴	بی میلی نسبت به دریافت رشوه و ارتشاء	۳	۳/۲۱	۱/۲۵	۴۴۱	-۱۳/۲۴	۴۴۰
۲۵	ارتباط با نخبگان و دانشمندان در مسائل شهری	۳	۳/۳۳	۱/۰۱	۴۳۷	-۱۳/۹۴	۴۳۶
۲۶	مبنا قرار دادن شایستگی‌های عملی-اجرایی	۳	۳/۳۲	۱/۰۲	۴۴۵	-۱۴/۱	۴۴۴
۲۷	اولویت قرار ندادن خویشاوندسالاری	۳	۳/۲۵	۱/۰۴	۴۴۵	-۱۵/۱	۴۴۴
۲۸	ارجحیت ندادن به ایدئولوژی‌های حزبی-گروهی	۳	۳/۱۶	۱/۰۶	۴۴۵	-۱۶/۷۹	۴۴۴
۲۹	داشتن تعهد کاری	۳	۳/۱۶	۱/۰۸	۴۴۰	-۱۶/۴۱	۴۳۹
۳۰	داشتن روحیه انتقاد پذیری	۳	۳/۱۰	۱/۰۲	۴۳۵	-۱۸/۳۲	۴۳۴
۳۱	جذب مدیران سطح بالا از میان فرهیختگان و دانش‌آموختگان برجسته	۳	۳/۲۴	۱/۱۰	۴۴۰	-۱۴/۵۶	۴۳۹
۳۲	پابندی به قوانین شهرداری	۳	۳/۳۶	۰/۹۸	۴۴۰	-۱۳/۶۱	۴۳۹
کلی	شایسته‌سالاری	۳	۳/۲۹	۰/۷۹	۴۲۷	-۱۸/۳۸	۴۲۶

با توجه به داده‌های جدول فوق و با استناد به میزان  $t$  به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح  $\alpha = 0/01$  بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در گویه‌های ۲۲ الی ۳۲ وجود دارد. لذا با توجه به اینکه در تمامی گویه‌ها، میانگین تجربی بالاتر از میانگین نظری می‌باشد، عنوان می‌شود که از دیدگاه نمونه‌های تحقیق، «میزان تأثیر شایسته‌سالاری بر افزایش حقوق شهروندی شهروندان منطقه ۶ تهران» در گویه‌های یاد شده، نامناسب است.

### شفاف‌سازی

جدول ۳- بررسی دیدگاه شهروندان منطقه‌ی ۶ تهران درباره‌ی حقوق شهروندی بر اساس شاخص شفاف‌سازی

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	تعداد	میزان $t$	درجه آزادی	سطح معنی داری
۳۳	نظارت دقیق و همه جانبه بر مجموعه‌ی تشکیلات شهرداری در راستای شفافیت	۳	۲/۹۹	۰/۹۵	۴۴۵	-۲۲/۵۳	۴۴۴	۰/۰۱
۳۴	میزان شفافیت و امانت‌داری در انتخابات و انتصابات درونی شهرداری	۳	۲/۹۵	۰/۹۹	۴۴۵	-۲۲/۴۲	۴۴۴	۰/۰۱
۳۵	میزان هم‌خوانی در مجموعه اقدامات شهرداری از حرف تا عمل	۳	۲/۹۶	۱/۰۸	۴۴۵	-۲۰/۴۰	۴۴۴	۰/۰۱
۳۶	میزان آگاهی و شناخت مردم از هزینه‌های مالی	۳	۲/۷۸	۱/۰۵	۴۴۵	-۲۴/۶۲	۴۴۴	۰/۰۱

۰/۰۱	۴۴۴	-۲۷/۴۳	۴۴۵	۱/۰۶	۲/۶۲	۳	میزان آگاهی و شناخت مردم از بودجه‌ی مصوب سال مالی شهرداری	۳۷
۰/۰۱	۴۳۸	-۲۳/۹۳	۴۳۹	۱/۰۲	۲/۸۳	۳	صراحت مجموعه کارگزاران شهرداری در دادن اطلاعات مربوط به عملکرد این نهاد	۳۸
۰/۰۱	۴۴۴	-۲۰/۳۲	۴۴۵	۱/۱۲	۲/۹۲	۳	میزان آگاهی و شناخت مردم از نحوه و فرایند تکمیل پروژه‌ها	۳۹
۰/۰۱	۴۴۴	-۲۰/۵۷	۴۴۵	۱/۱۵	۲/۸۸	۳	شفاف‌سازی در حوزه‌ی مالی و گردش پول در هر یک از نهادهای مربوطه	۴۰
۰/۰۱	۴۳۶	-۱۹/۴۲	۴۳۷	۱/۰۷	۳	۳	خبر رسانی به موقع و ایجاد تشکیلات رسانه‌ای فراگیر برای امر خبر رسانی و ارتباطات	۴۱
۰/۰۱	۴۳۳	-۲۶/۲۲	۴۳۴	۰/۸۸	۲/۸۹	۳	شفاف‌سازی	کلی

با تأکید بر جدول بالا و بر اساس میزان  $t$  به دست آمده، می‌توان مطرح نمود که تفاوت معنی‌داری در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در گویه‌های ۳۳ الی ۴۰ وجود دارد. لذا با توجه به اینکه در گویه‌های مذکور، میانگین تجربی پایین‌تر از میانگین نظری می‌باشد، عنوان می‌شود که از دیدگاه نمونه‌های تحقیق، «میزان تأثیر شفاف‌سازی بر افزایش حقوق شهروندی شهروندان منطقه ۶ تهران» در گویه‌های مذکور، نامناسب است. در حالیکه در گویه‌ی ۴۱ میانگین تجربی برابر میانگین نظری می‌باشد، و این مطلب بیانگر این است که از دیدگاه نمونه‌های تحقیق، «میزان تأثیر شفاف‌سازی بر افزایش حقوق شهروندی شهروندان منطقه ۶ تهران» در گویه‌ی بالا، نامناسب است.

### قانون‌گرایی

جدول ۴- بررسی دیدگاه شهروندان منطقه‌ی ۶ تهران درباره‌ی حقوق شهروندی بر اساس شاخص قانون‌گرایی

شماره سؤال	گویه	میانگین نظری	میانگین تجربی	انحراف معیار	تعداد	میزان $t$	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۴۲	قانون‌مندی فعالیت‌های شهرداری	۳	۳/۰۲	۱/۰۱	۴۴۲	-۲۰/۳۵	۴۴۱	۰/۰۱
۴۳	توانایی فنی و علمی کارگزاران شهرداری برای انجام مطلوب وظیفه محول در راستای قانون	۳	۳/۱۱	۱/۰۳	۴۴۵	-۱۸/۳۵	۴۴۴	۰/۰۱
۴۴	خدمات‌رسانی کارگزاران شهرداری در رفع مشکلات شهری منطبق با قانون	۳	۳/۰۲	۱/۰۶	۴۴۱	-۱۹/۴۲	۴۴۰	۰/۰۱
۴۵	تعهد و جدیت به انجام وظایف و خدمات‌رسانی محوله از سوی کارگزاران	۳	۳/۰۸	۱/۰۴	۴۳۶	-۱۸/۵۱	۴۳۵	۰/۰۱

شهرداری در چارچوب قانون								
۰/۰۱	۴۴۱	-۱۷/۶۵	۴۴۲	۱/۰۲	۳/۱۵	۳	احترام به حریم خصوصی و حقوق قانونی شهروندان	۴۶
۰/۰۱	۴۳۴	-۱۵/۱	۴۳۵	۱/۰۵	۳/۲۴	۳	رعایت قانون بدون توجه به جنسیت، طبقه، قومیت و مذهب شهروندان	۴۷
۰/۰۱	۴۳۶	-۱۵/۸۸	۴۳۷	۱/۱۱	۳/۱۶	۳	شایسته‌سالاری تشکیلات شهرداری در راستای قانون و خرد جمعی	۴۸
۰/۰۱	۴۳۶	-۱۵/۰۲	۴۳۷	۱/۰۴	۳/۲۵	۳	قانون‌گرایی و فصل الخطاب قرار دادن قانون در نزد کارگزاران شهرداری	۴۹
۰/۰۱	۴۴۱	-۱۹/۹۷	۴۴۲	۱/۱۲	۲/۹۳	۳	اجرای یکسان قانون شهرداری در قبال همه‌ی شهروندان	۵۰
۰/۰۱	۴۲۴	-۲۱/۲۷	۴۲۵	۰/۸۳	۳/۱۴	۳	قانون‌گرایی	کلی

با ملاحظه‌ی مقادیر جدول فوق و بر پایه‌ی میزان  $t$  به‌دست آمده، می‌توان استنباط کرد که تفاوت معنی‌داری در سطح  $\alpha = ۰/۰۱$  بین میانگین نظری با میانگین‌های تجربی در گویه‌های ۴۲ الی ۴۹ وجود دارد. از این رو و با توجه به اینکه در گویه‌های مذکور، میانگین تجربی بالاتر از میانگین نظری است، می‌توان چنین استنباط کرد که بر پایه‌ی نمونه‌های تحقیق، «میزان تأثیر قانون‌گرایی بر افزایش حقوق شهروندی شهروندان منطقه ۶ تهران» در گویه‌های مذکور، مناسب است. در حالی که در گویه ۵۰ میانگین تجربی پایین‌تر از میانگین نظری بوده و این مطلب بیانگر این است که از دیدگاه نمونه‌های تحقیق، «میزان تأثیر قانون‌گرایی بر افزایش حقوق شهروندی شهروندان منطقه ۶ تهران» در گویه‌ی یاد شده، متوسط است.

### نتیجه‌گیری

پس از دوران روشنگری در اروپا، توجه به حقوق افراد در چارچوب مکان یا فضای زیست آنها، به یک امر فلسفی- فضایی تبدیل شد. با فروپاشی حکومت‌های یکه‌سالار و آغاز جنبش‌های جدایی‌خواهانه از اروپای شرق تا آفریقای جنوبی، ضرورت پرداختن به حقوق انسان‌ها در چارچوب فضای زیست آنها و پیشگیری از تبعیض‌ها در این چارچوب مورد توجه قرار گرفت. با روند گسترش حکومت‌های ملی (کشور-ملت‌ها)، کوشش برای تعریف و جای-دهی همه‌ی افراد درون یک سرزمین در چارچوب شهروندی و برخورداری حقوقی یکسان از حاکمیت، سبب شد تا حقوق شهروندی به مثابه‌ی یکی از دغدغه‌های مهم برای پراکنش و بسط دموکراسی مورد توجه قرار گیرد. شهروندی، برخورداری از حقوق در ردون یک قلمرو است. قلمرو ابعاد گوناگونی از زیست اجتماعی و قدرت جمعی را کنار هم می‌نهد؛ عناصر مادی همچون فضا و عناصر نمادین همانند هویت جمعی. هویت نیز بخشی از مولفه‌ی فردی و جمعی انسان است که تعریف‌کننده‌ی چیستی و کیستی به‌شمار می‌رود. هویت به ویژه آنگاه که با فضا گره می‌خورد، در کالبد هویت مکانی رخ می‌نمایاند که بیانگر ارجاع کیستی و چیستی یک شخص به یک مکان است. تعلق نیز بخشی از فراورده‌ی هویت به‌شمار می‌رود که در آن ابعاد مکانی و روان‌شناختی انسان درهم می‌آمیزد و احساس تعلق مکانی پدید می‌آید. همچنانکه از عناصر مهم تشکیل‌دهنده‌ی شهروندی پیداست، این عناصر از جمله بنیادهای مهم و مفاهیم کلیدی در جغرافیای سیاسی هستند و به سبب نقش و اهمیت شهر در زیست امروزه‌ی مردم، وارد شدن جغرافیای سیاسی به بحث حقوق شهروندی، برای آشکار کردن ابعاد و زوایای لازم برای گسترش و پرورش آن در جامعه ضروری و بایسته به نظر می‌رسد. پژوهش حاضر با چنین هدفی، به بررسی حقوق شهروندی در مجموعه‌ی مدیریتی

شهرداری تهران پرداخت و چهار شاخص «مسئولیت‌پذیری»، «شفاف‌سازی»، «شایسته‌سالاری» و «قانون‌گرایی» را به عنوان مجراهای بررسی حقوق شهروندی در کلانشهر تهران برگزید. فرضیه‌ی به‌کارگیری این چهار شاخص بر این بنیاد استوار است که رضایت شهروندان از رعایت چهار شاخص یاد شده، نشانگر وضعیت مناسب حقوق شهروندی در کلانشهر تهران است. نتایج این پژوهش، نشان داد که میزان رضایت شهروندان از حقوق شهروندی بر اساس شاخص‌های پژوهش، افت محسوسی داشته است؛ به‌گونه‌ای که میزان رضایت از سه شاخص «مسئولیت‌پذیری»، «شفاف‌سازی» و «شایسته‌سالاری» نامناسب بوده و شاخص «قانون‌گرایی» نسبت به سه شاخص دیگر در وضعیت خوشایندتری قرار دارد.

#### قدردانی

نویسندگان از معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه خوارزمی به دلیل حمایت از مقاله‌ی مذکور، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

## منابع

۱. بیرامی، موسی (۱۳۹۱)، «نقش شایسته‌سالاری در عرصه مدیریت»، فصلنامه‌ی دانش انتظامی کردستان، دوره ۳، شماره ۹، صص ۶۹-۵۸.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، «فلسفه حقوق مدنی»، جلد اول، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۳۸۱ صفحه.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۹۳)، «فلسفه‌ی جغرافیای سیاسی»، تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، ۲۹۰ صفحه.
۴. رضائی، رضا (۱۳۷۸)، «نظام شایسته‌سالار در مدیریت کشور»، تهران: سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
۵. علوی، سیدمصطفی (۱۳۹۰)، «تاثیر سطوح شفافیت اطلاعات بر میزان پاسخ‌گویی مدیریت»، فصلنامه‌ی اقتصاد و حسابداری، سال ۷، شماره ۱۴، صص ۶۹-۷۸.
۶. فقیهی، ابوالفضل و بهروز رضایی منش (۱۳۸۴)، «اخلاق اداری»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، دوره ۹، شماره ۴۷، صص ۳۸-۲۵.
۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، «انسان‌شناسی شهری»، تهران: نشر نی، ۶۰۸ صفحه.
۸. کاویانی راد، مراد و قره‌بیگی، مصیب (۱۳۹۶)، «جغرافیای انتخابات: بنیادها، مفاهیم و رویکردها»، تهران: انتشارات مرکز مطالعات راهبردی، ۲۸۰ صفحه.
۹. لنگ، جان (۱۳۸۱)، «آفرینش نظریه‌ی معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط»، ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، ۳۲۸ صفحه.
۱۰. معمارزاده، غلامرضا، نجف بیگی، رضا و یدالله عباس زاده (۱۳۹۱)، «تبیین مدل ارتقاء شایسته‌سالاری و عوامل مرتبط با آن در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی»، فصلنامه‌ی مدیریت بهره‌وری (فراسوی مدیریت)، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۳۳-۴۱.
۱۱. موسوی، سید صمد (۱۳۹۳)، «شایسته‌سالاری در حکومت دینی»، بازنشر در دانشنامه‌ی موضوعی قرآن، قابل دسترسی در: <http://maarefquran.org/index.php/page.viewArticle/LinkID.4252>
۱۲. میرحیدر، دره (۱۳۸۶)، «مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی»، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۲۲۸ صفحه.
13. Bacchi, C.L and Beasley C. (2000). Citizen bodies: Is embodied citizenship a contradiction in terms? *Critical Social Policy*, 22(2), pp. 324-352
14. Bell, D. (2000). On Meritocracy and Equality. *The Public Interest*. pp. 29-68.
15. Brenner, N. (2005). *New State Spaces: Urban Governance and the Rescaling of Statehood*. Oxford: Oxford University Press
16. Bressman, L.S. (2003). Beyond Accountability: Arbitrariness and Legitimacy in the Administrative State, *New York University Law Review*, 46(1), pp.1-13.
17. Brown, M. (1997). *Re-Placing Citizenship: AIDS Activism and Radical Democracy*. New York: The Guilford Press
18. Burchell, D. (2014). The attributes of citizens: Virtue, manners and the activity of citizenship. *Economy and Society*, 24, pp. 540-558
19. Dickinson, J. and Bailey, A.J. (2007). (Re)membering diaspora: Uneven geographies of Indian dual citizenship. *Political Geography*. 26(7), pp. 757-774
20. Hassner, P. (1997). Obstinate and obsolete: non-territorial transnational forces versus the European territorial state. In O. Tunander and others. (eds.) *Geopolitics in the Post-Wall Europe: Security, Territory and Identity*. London: Sage
21. Lerner, J. and Tetlock, P.E. (2004). Accountability and social cognition. *Encyclopedia of Human Behavior*. New York: Academic Press
22. McEwan, C. (2000). Engendering citizenship: Gendered spaces of democracy in South Africa. *Political Geography* 19, pp. 627-651.

23. Munro, K. and Mouritsen, D. (1996). *Accountability: power, ethic and technology of meaning*, London: International Thompson Business
24. Paasi, A. (2008). *Territory*. In John Agnew, Katharyne Mitchell and Gerard Toal (eds.) *Companion to Political Geography*, New York and London: Blackwell
25. Valentine, G. and Skelton, T. (2007). *The right to be heard: Citizenship and language*. *Political Geography*, 26(2), pp. 121-140.